

فرهنگِ موضوعیِ فارسی

راهنمای واژه‌یابی

بهروز مهرزاده

نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۶

فرهنگ موضوعی فارسی

راه‌نمای واژه‌یابی

تألیف

بهروز صفرزاده

فرهنگ نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم (شهید جنتی)،
پلاک ۱۳، طبقه سوم - تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۶

۷۷۰

باختر

غزال

صافی

ناظر چاپ

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

صفرزاده، بهروز، ۱۳۴۸

عنوان و نام پدیدآور

فرهنگ موضوعی فارسی / بهروز صفرزاده

مشخصات نشر

تهران: نشر نو، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری

۲۰۸۰ ص.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۷-۱۹-۸

فهرست نویسی

بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی

فرهنگ موضوعی فارسی: راه‌نمای واژه‌یابی

موضوع

واژه‌یابی فارسی - سواژه‌نامه‌ها - اصطلاحات و تعبیرات

شناسه افزوده

الف. صفرزاده، بهروز ب. عنوان: فرهنگ موضوعی فارسی

رده‌بندی کنگره

۱۳۹۵ ۱۴۳۷ ص/ PIR ۲۹۵۴

رده‌بندی دیویی

۴۳۳

شماره کتابشناسی ملی

۴۳۶۶۰۴۷

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

بها ۲۰۰,۰۰۰ تومان

فهرست

پیش‌گفتار.....	یازده
دسته‌بندی ییس و دوگانه مفاهیم.....	هفده
فهرستِ مقولات.....	نوزده
فرهنگِ موضوعی فارسی.....	۱
نمایه.....	۱۷۴۱
منابع.....	۲۰۴۱

پیش‌گفتار

فرهنگ موضوعی فارسی فرهنگی است که در آن واژه‌ها و اصطلاحات فارسی امروز براساس دسته‌بندی موضوعی و معنایی مرتب شده‌اند، نه براساس ترتیب الفبایی. در فرهنگ‌های معمولی معیار مرتب‌سازی واژه‌ها ترتیب الفبایی است؛ مثلاً واژه «خاله» پس از «خالص» و پیش از «خالی» می‌آید، بدون آنکه هیچ ارتباط موضوعی و معنایی‌ای با «خالص» و «خالی» داشته باشد. اما در فرهنگ موضوعی «خاله» رکنی وار، هایی چون مادر، عمه، عمو، دایی، پدر، نامادری، و مانند آن‌ها می‌آید؛ یعنی واژه‌هایی که از لحاظ موضوعی و معنایی با آن در ارتباط‌اند. هنگام مراجعه به فرهنگ معمولی واژه یا اصطلاح را در ذهن دارید، در سار معنی‌اش هستید؛ اما در مراجعه به فرهنگ موضوعی معنی را می‌دانید و در جست‌وجوی واژه یا اصطلاح مناسب برای بیانش هستید.

مهم‌ترین کاربرد فرهنگ موضوعی این است که به شما در یافتن واژه‌ها و اصطلاحات مناسب برای بیان اندیشه‌تان یاری می‌رساند. مثلاً اگر بخواهید بدانید شارارک چسبانی که باستانی‌کاران در زورخانه به پادارند نامش چیست، به کجارجوع می‌کنید. یا می‌دانست که با مراجعه به مدخل «زورخانه» یا «باستانی‌کار» یا «ورزش باستانی» در یک فرهنگ معمولی پاسخ سؤالتان را بیابید. در این جامی‌توانید از فرهنگ موضوعی کمک بگیرید. با جست‌وجوی هر یک از این سه اصطلاح در نمایه فرهنگ، مقوله مربوط به «ورزش باستانی» را می‌یابید و با نگاهی به مدخل‌ها، زیرمترله، به پاسخ سؤالتان می‌رسید؛ نکته. یا فرض کنید دنبال تعبیر طنزآمیزی برای آدمِ قدبلند می‌گردید. کافی است واژه «قدبلند» را در نمایه جست‌وجو کنید تا با اندکی صرف وقت به «نردبون دزد» یا «شال بلند» برسید.

این فرهنگ برای عموم فارسی‌زبانان و فارسی‌دانان، با هر سطحی از تحصیلات و هر نوع تخصصی، قابل استفاده است. با این حال در جریان تألیف همواره مخاطب را سده و کم‌دانش فرض کرده‌ام؛ از همین رو شیوه بیان مطلب ساده است و تمام کسره‌های پایانی واژه‌ها و تشدیدها هم گذاشته شده تا کار خواننده هرچه آسان‌تر شود.

در فرهنگ موضوعی حاضر ابتدا تمام مفاهیم زبان در یک دسته‌بندی کلی به بیست و دو دسته موضوعی تقسیم شده‌اند؛ سپس دسته‌بندی‌ها جزئی‌تر شده و «مقوله‌ها» یا «خوشه‌های معنایی» تشکیل گشته‌اند و نهایتاً واژه‌ها و اصطلاحات هر مقوله به ترتیب الفبا آمده و تعریف شده‌اند. گفتنی است که

تعداد، ترتیب و توالی، و نام‌گذاری مقولات فرهنگ حاضر براساس تشخیص و سلیقه مؤلف است و بدیهی است که به صورت‌های دیگری نیز می‌توان این مقولات را تعیین و تنظیم کرد.

با استفاده از نمایه الفبایی انتهای کتاب می‌توان جای‌گاه هر واژه و اصطلاح را در متن فرهنگ یافت. مثلاً اگر بخواهید بدانید در فارسی چه واژه‌ها و اصطلاحاتی برای بیان مفهوم «خوش حالی و نشاط» داریم، در نمایه الفبایی انتهای کتاب واژه «خوش حالی» یا «نشاط» را نگاه می‌کنید و از روی شماره‌ای که جلوی آن آمده است (۱۰۲۷؛ کُد مقوله)، مقوله مورد نظر را در متن فرهنگ می‌یابید که حاوی ده‌ها واژه و اصطلاح به ترتیب الفباست:

۱۰۲۷ - خوش حالی؛ نشاط

خوش	خوبی خوش	ذوق کردن	شاد
انشاط	خرمی	سر حال	شادمانی
بانشاط	خوش بختانه	سر حال آوردن	شاد و شنگول
پهجت	خوش حال	سرزندگی	شارژ
به‌خوبی و خوشی	خوش حالی	سرزنده	شعف
حال اومدن	خوشی	سرور	قیراق...

حال اگر بخواهید تعبیّرات بیان‌گر «خوش حالی زیاد» را هم پیدا کنید، در ادامه مقوله «خوش حالی؛ نشاط» به مقوله شماره ۱۰۳۰، با عنوان «خوش حالی زیاد»، برمی‌خورید که مدخل‌هایی از این دست در زیر آن آمده است:

۱۰۳۰ خوش حالی زیاد

با دُمیش گرد و شیکستن	ذوق مَرک ش.ن.
بال در آوردن	سر از پا نشناختن
پَر در آوردن (گرفتن)	قند تو دلش آب شدن
خوش خوشانش بودن	گیکش خروس خواندن
در پوست خود ننگنجیدن	کلاهش د هوا انداختن
دُنیاده پیش دادن	گل از گُلش شِکفتن (واشدن)

برای نتیجه‌گیری بهتر توصیه می‌شود هنگام مراجعه به یک مقوله خاص نگاهی به چند مقوله قبل و بعدش نیز بیندازید.

چهارچوب فرهنگ

چهارچوب فرهنگ حاضر فارسی امروز است، اما برای تنوع و اطلاع رسانی بیش تر، در بعضی مدخل ها، معادل های قدیمی واژه را هم آورده ام:

مُرورید جسم کوچکی گردد، سخت، و براقی به رنگ سفید یا نقره ای که در بعضی صدف ها یافته می شود و از جواهرات بسیار گران قیمت است: دانه های / گردن بند مروارید.

□ واژه های قدیمی برای «مروارید»: جُمان، دُر، گوهر، لؤلؤ

خَسِیس آدم خسیس دوست ندارد پول خرج کند، یا حاضر نیست چیزی از اموالش را به دیگران بدهد؛ تنگ چشم؛ تنگ نظر؛ ناخون خشک؛ مُمَسِک؛ کِنَس؛ به بخشنده.

□ واژه های قدیم برای «خسیس»: آب کور، زُفت، سیاه کاسه، سیئه کاسه، شَحیح، ضَنین، کف بسته، لَئیم، نان کور

تلفظ؛ هویت دستور

در فرهنگ های فارسی امروزی، هر بر این است که تلفظ مدخل ها را با حروف آوانگار لاتین نشان بدهند. این شیوه گرچه درست و علمی است، اما حشو فراوانی دارد و در بسیاری از مدخل ها چیزی جز شلوغی و افزایش بیهوده حجم فرهنگ نیست. اصلاً مدخل های فرهنگ را از لحاظ تلفظ به سه دسته می توان تقسیم کرد:

یک دسته از مدخل ها خود به خود و بدون نیاز به حرکت گذاری یا آوانگاری درست خوانده می شوند و بعید است که خواننده در تلفظ آن ها دچار ابهام و اشکال شود: آب، آباد، آرام، آشوب، بی حال، باران، دودمان، دیوانه، فالوده، گیاه، میان گین، میراث، نیاز، یادگار، ...
تلفظ دسته بزرگی از مدخل ها با حرکت گذاری مشخص می شود: پنهانده، پیمودن، خُرداد، دُوران، رائت، عَقاب، فُوران، فُوریه، قَسَم، قَسَم، مَیْفَکَر، مَعَنابَه.

می مانند معدودی مدخل ها که به شیوه دیگری باید تلفظشان را مشخص کرد. مثلاً تلفظ «فی المَجْلِس» را یا به صورت / فیل مَجْلِس / می توان نوشت یا با استفاده از آوانگار لاتین:

با توجه به این که در فرهنگ موضوعی حاضر تأکید بر دسته بندی موضوعی و معنایی مفاهیم است، برای حفظ سادگی صوری اثر و جلوگیری از سردرگمی خوانندگان، از آوردن آوانگاری خودداری کرده و همان شیوه حرکت گذاری را ترجیح داده ام. اگر واژه ای بیش از یک تلفظ داشته باشد، رایج ترین و طبیعی ترین تلفظش را ثبت کرده ام. مثلاً عموم فارسی زبانان اِصالت، عدالت، فساد، بُکات، و جنوب را به همین صورت تلفظ می کنند، حال آن که بعضی ادیبان و تحصیل کردگان اَصالت، غَدالت، فُساد، بُکات، و جَنوب می گویند.

در بارهٔ هویت دستوری نیز باید بگویم تجربه‌ام نشان می‌دهد که خوانندگان فرهنگ‌های فارسی عموماً توجهی به برجسب دستوری مدخل‌ها ندارند. از این رو و باز هم در جهت حفظ سادگی صوری اثر و جلوگیری از سردرگمی خوانندگان، از ذکرِ هویت دستوری مدخل‌ها یا دسته‌بندی دستوری آن‌ها خودداری کرده‌ام.

برجسب‌های کاربردی و اخلاقی

مدخل‌های فرهنگ از لحاظ کاربرد یا جای‌گاه اخلاقی اجتماعی به دو دسته تقسیم شده‌اند: دستهٔ اول که بخش اعظم مدخل‌ها را تشکیل می‌دهند آن‌هایی هستند که هیچ رنگ و بوی خاصی ندارند و اصطلاح «بی‌نشان» اند: آتش، اراده، از دست دادن، خندیدن، دفتر، زیبا، مفهوم. دستهٔ دوم آن‌هایی‌اند که کاربرد یا بار اخلاقی اجتماعی خاصی دارند. این دسته با برجسب‌های زیر مشخص شد:

بی‌ادبانه	خو، مونی	زشت	گفتاری	مؤدبانه
تحقیرآمیز	دبا	طنز	محترمانه	تقرین
توهین‌آمیز	ری	فحش	مذهبی	

(توضیح: برجسب «رسمی» گاه به جای «ادب» به کار رفته‌است.)

فارسی‌گفتاری

تاکنون در فرهنگ‌های فارسی به جنبهٔ آوایی فارسی توجهی نشده‌است و باکمال تأسف باید گفت که ماهیچ فرهنگ فارسی‌ای نداریم که در آن واژه‌ها را به ملاحظات فارسی‌گفتاری درست به همان صورتی که تلفظ می‌شوند ثبت شده باشند، و اصولاً هنوز ندانیم که در آن زبان گفتار به صورت دقیق و واقع‌بینانه توصیف و تحلیل شده باشد. ظاهراً فرهنگ نویسان گونهٔ گفتاری زبان را، به‌ویژه از لحاظ آوایی، چندان درخور اعتنا نمی‌دانسته‌اند. نتیجه آن که هیچ نیوهٔ مشخص و مدونی برای نوشتن فارسی‌گفتاری نداریم.

در سال‌های اخیر بر اثر گسترش سریع و شگفت‌آور ارتباطات و رسانه‌ها عموم مردم به‌طور بی‌سابقه‌ای با «گفتارنوشت»، یعنی صورت نوشتاری فارسی‌گفتاری، سروکار پیدا کرده‌اند. امروزه کم‌تر کسی را می‌توان یافت که موبایل نداشته باشد و اس‌ام‌اس نزنند. بسیاری از نوجوانان و جوانان در اینترنت به فارسی چت می‌کنند و بسیاری از فیلم‌ها زیرنویس فارسی دارند. در تمام این موارد «گفتارنوشت» به کار می‌رود. اگر واقع بین باشیم، باید بپذیریم که امروزه صورت نوشتاری فارسی

گفتاری به مراتب بیش از صورت نوشتاری فارسی رسمی یا ادبی به چشم می‌خورد؛ حال آن‌که تا چند دهه قبل چنین نبود. اما هنوز شیوه مشخص و تصویب‌شده‌ای برای نگارش فارسی گفتاری نداریم و متولیان امر، به ویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نیز هم‌چنان موضوع را جدی نمی‌گیرند و چاره‌ای نمی‌اندیشند. به عقیده من زمان آن فرارسیده است که فرهنگ نویسان ایرانی، در کنار فارسی رسمی و ادبی، فارسی گفتاری را به رسمیت بشناسند و آن را آن‌چنان که هست در فرهنگ‌ها ثبت کنند. اکنون این افتخار نصیب من شده که قدم در این راه بگذارم و واژه‌ها و اصطلاحات فارسی گفتاری را به همان صورتی که هستند در فرهنگ بیاورم. معتقدم که ثبت واژه‌ها و اصطلاحات فارسی گفتاری با تلفظ و املائی رسمی آن‌ها را مصنوعی و غیرطبیعی و بی‌خاصیت می‌کند. این دو ستون را باهم مقایسه کنید:

تلفظ و املائی رسمی	تلفظ و املائی مصنوعی
بلبل زبون خوردن	بلبل زبانی کردن
پیرهن عثمان کردن	پیراهن عثمان کردن
جک و جونور	جک و جانور
جونم برات بگه	جانم برایت بگوید
حموم زنونه	حمام زنانه
خدا بگم چی کارش کنه	خدا بگم چه کارش کند
سگ صاحبش د نمی‌شناسه	سگ صاحبش را نمی‌شناسد
شیطونه می‌گه...	شیطان می‌گه...
فاتحه‌ش خونده بودن	فاتحه‌اش خوانده بودن
ویلون و سیلون	ویلان و سیلان
یکی یه دونه	یکی یک‌دانه

شیوه فرهنگ حاضر در ثبت فارسی گفتاری چنین است:

● املا حتی‌المقدور مطابق تلفظ است: اومدن، اون‌جا، خونه، نون‌دونی، پشیمون، شستن، شیکم، ورداشتن، مردا، زنا، مهمونا، بازی، عکسامون، قربونش بزم، مرغ یه پاداره.

در مورد واژه‌های مشترک بین فارسی گفتاری و فارسی رسمی که تلفظ و در نتیجه املایشان متفاوت است، یکی از دو صورت املائی را اصل قرار داده‌ام و صورت دیگر را درون پرانتز، پس از نشانه «=»، آورده‌ام: چيست (= چیه)، حمام (= حموم)، حیوان (= جیوون)، فراوان (= فراوون)، مهمان (= مهمون)، کلید (= کلید)، فیریزر (= فیریزر)، دیوونه خونه (= دیوانه خانه)، یه‌دَرَه (= یک‌دَرَه)، یشان (= یَشون) دادن، دوام (= دووم) آوردن.

● در جمله‌های گفتاری ترتیب طبیعی اجزای جمله حفظ شده است. مثلاً جمله «امروز دیر رفتم سر کار» به همین صورت آمده است، نه به صورت «امروز دیر سر کار رفتم». چند مثال دیگر: «بندازش دورا» (نه «بندازش دورا» یا «آن را دور بینداز!»)؛ «بچه افتاد تو حوض» (نه «بچه تو حوض افتاد»); «بیا بیرون» (نه «بیرون بیا»).

● حرف اضافه «را» در فارسی گفتاری به یکی از دو صورت «رو»/ro/ یا «و»/o/ بسته به صدای ماقبلش، تلفظ می‌شود. در این فرهنگ، به صورت آزمایشی و با توجه به امکانات تایپی نرم افزار «زرنگار»، این دو صورت را با فونت ریز تر و آندیس بالا تایپ کرده‌ام:

جای کسی دخالی کردن	پشه در و هوا نعل کردن
خبر دهش دهمیدن	مورد از ماست کشیدن
عمرش ددا شما	تو د سننه

منابع

امامی، کریم. فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی-انگلیسی)، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۸۰.
 انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن (۸ جلد)، سخن، تهران: ۱۳۸۱.
 دهخدا، علی اکبر و همکاران. لغت‌نامه (۱۵ جلد)، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۷.
 شکورزاده، ابراهیم. ده هزار مثل فارسی، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲.

Kipfer, Barbara Ann (edited by). *Roget's International Thesaurus* (7th Ed.), HarperCollins Publishers, New York 2010.

McArthur, Tom. *Longman Lexicon of Contemporary English*, Longman, London 1996.

McCutcheon, Marc. *Descriptive* (3rd Ed.), Checkmark Books, New York 2005.

Webster's New World College Dictionary (3rd Ed.), Macmillan Publishers, New York 1997.

Wikipedia, [https://www.wikipedia.org]

دسته‌بندی بیست و دوگانه مفاهیم (۱۲۵۰ مقوله)

- فصل ۱: زندگی؛ تولد؛ مرگ مقوله ۲۸ تا ۲۸۱
- فصل ۲: جان‌دان؛ گیاهان؛ جانوران؛ انسان مقوله ۲۹ تا ۷۷
- فصل ۳: باطن؛ اندام‌ها و کارهایشان مقوله ۷۸ تا ۱۲۳
- فصل ۴: بیماری‌ها؛ پزشک؛ بهداشت؛ آرایش مقوله ۱۲۴ تا ۱۶۱
- فصل ۵: خوردن؛ خریدنی؛ آشپزی مقوله ۱۶۲ تا ۱۹۵
- فصل ۶: جهان؛ طبیعت؛ هوا؛ آب؛ دما مقوله ۱۹۶ تا ۲۲۱
- فصل ۷: مکان؛ جهت؛ حرکت؛ شمار؛ تریه؛
حمل و نقل؛ سفر؛ وسایل نقلیه مقوله ۲۲۲ تا ۳۱۴
- فصل ۸: زمان؛ تاریخ؛ تقویم؛ شروع؛ پایان مقوله ۳۱۵ تا ۳۶۶
- فصل ۹: مقدار؛ تعداد؛ اعداد؛ ریاضیات؛ شکل؛ -جه مقوله ۳۶۷ تا ۴۲۰
- فصل ۱۰: ماده؛ صنعت؛ وسایل؛ ابزارها؛ سلاح؛
ساختمان؛ خانه و لوازمش؛ لباس؛ پوشش مقوله ۴۲۱ تا ۵۳۰
- فصل ۱۱: داشتن؛ مالکیت؛ بخشیدن؛ خرید و فروش؛ اقتداد؛ رهن مقوله ۵۳۱ تا ۵۷۹
- فصل ۱۲: کار؛ فعالیت؛ توانایی؛ تصمیم؛ نیاز مقوله ۵۸۰ تا ۶۵۳
- فصل ۱۳: سرگرمی؛ بازی؛ ورزش مقوله ۶۵۴ تا ۶۷۷
- فصل ۱۴: کشور؛ جامعه؛ خانواده؛ فامیل؛ دوستی؛ رفت و آمد؛ ازدواج مقوله ۶۷۸ تا ۷۱۲
- فصل ۱۵: قانون؛ حکومت؛ سیاست؛ جرم؛ مجازات؛ جنگ؛ ارتش مقوله ۷۱۳ تا ۷۵۷
- فصل ۱۶: فکر؛ ذهن؛ آگاهی؛ اطلاع‌رسانی؛ توجه؛ جست‌وجو مقوله ۷۵۸ تا ۸۱۱
- فصل ۱۷: زبان؛ خواندن و نوشتن؛ آموزش؛ ادبیات؛ تصویر؛ هنر مقوله ۸۱۲ تا ۹۱۱
- فصل ۱۸: احساس؛ عواطف؛ اخلاق؛ رفتار مقوله ۹۱۲ تا ۱۰۶۶
- فصل ۱۹: اعتقاد؛ دین؛ خرافات؛ افسانه مقوله ۱۰۶۷ تا ۱۱۰۲
- فصل ۲۰: وجود؛ حقیقت؛ روی دادن؛ شدن؛ تغییر مقوله ۱۱۰۳ تا ۱۱۳۹
- فصل ۲۱: آشکار؛ پنهان؛ نشان دادن؛ به نظر رسیدن مقوله ۱۱۴۰ تا ۱۱۵۷
- فصل ۲۲: مقولات دیگر؛ تأثیر؛ رابطه؛ شباهت؛ ویژگی؛ مقوله ۱۱۵۸ تا ۱۲۵۰